



چکیده

در جوامع شناخته‌شده تقریباً همه انسان‌ها درگیر مجموعه‌ای از روابط اجتماعی هستند و رسانه‌ها جایگاه و نقشی تعیین‌کننده در زندگی اجتماعی آنها ایفا می‌کنند. رادیو به عنوان یک رسانه فراگیر در کنار سایر رسانه‌های ارتباطی دارای اهمیت حیاتی است و به عنوان یک نهاد ارتباطی و اجتماعی سعی در جامعه‌پذیری افراد دارد. رادیو به عنوان اولین رسانه ارتباطی فراگیر در طول دوران فعالیت خود به انتقال هنجارهای فرهنگی و اجتماعی به عنوان اصول و پایه‌های شهروندی و به درونی‌کردن آنها از طریق فرایند آموزش می‌پردازد. آدمی بالفطره در جهت رعایت اصول شهروندی گام بر نمی‌دارد، بلکه از طریق آموزش و تربیت است که انسان، مسیر رشد و تعالی را می‌پیماید. از این رو، آموزش است که با رشد دادن کمالات انسانی در فرد به پیشواز ماهیت کمال شهروندی می‌رود و فرد را به حالتی از کمال اجتماعی می‌رساند که خود به خود به سو شهروندی ایده‌آل گرایش داشته باشد. این از آن رو است که انسان موجودی اجتماعی است و این میل طبیعی وی را به این سو می‌کشاند که بدون همکاری با سایر شهروندان قادر به اداره زندگی خود نخواهد بود. تعیین جایگاه و نقش آموزشی رادیو با تأکید بر نقش کلیدی آن در تربیت و اینکه در نهایت تا چه حد بر تحکیم پایه‌های شهروندی تأثیر خواهد داشت، موضوعی است که در این مقاله با روش تحلیلی به آن می‌پردازیم.

رادیو و تحکیم پایه‌های شهروندی

بررسی جایگاه و نقش آموزشی رادیو در
تحکیم پایه‌های شهروندی

❖ سید حسام حسینی

کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

نه تنها در مجتمع زیستی شهر زندگی می‌کند، بلکه مجموعه‌ای از قوانین و فعالیت‌های وی، رابطه او را با سایر شهروندان، با مدیران شهر و با کالبد شهر تنظیم می‌کند و به عنوان شخصی تصمیم‌گیرنده و مؤثر در اداره و حیات شهر ایفای نقش می‌نماید. به تبع این تعریف برای شهروند، شهروندی (Citizenship) عبارت است از روش زیستن در یک شهر بر طبق اصول، قواعد و قوانین خاص. در حقیقت موضوع شهروندی، رابطه شهروند را با مدیریت شهر یا دولت و حکومت تبیین می‌کند.

پایه‌های شهروندی

پایه‌های شهروندی عبارت است از اصول و قواعدی که هر شهروند در جهت‌دهی به فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و روابط خود با اجتماع می‌پذیرد. تعدادی از پایه‌های شهروندی به شرح زیر است:

- ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و

فرهنگی: فرهنگ یکی از مفاهیم ارزشمند جامعه بشری است و شاید عمده‌ترین فرق انسان با سایر جانوران فرهنگ‌پذیری او باشد. فرهنگ از مهم‌ترین ابزارهایی است که باعث ایجاد وحدت و یگانگی در درون جامعه است.

فرهنگ عبارت است از مجموعه ویژگی‌های مادی، معنوی، فکری و احساسی متمایز که مختص یک جامعه یا گروه اجتماعی است. (فرمیپنی، فراهانی، ۱۳۷۸: ۱۲۴)

از دید تایلور، فرهنگ با تمدن کلیت درهم‌بافته‌ای است که شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عاداتی می‌شود که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد. (آشوری، ۱۳۸۰: ۴۶)

بنابراین، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی که در طول تاریخ یک ملت شکل گرفته‌اند، راه‌های ارضای نیازها، نحوه برخورد با مشکلات و حل آنها و همچنین ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی، سیاسی و مدیریتی شهر را برای شهروندان تعیین می‌کنند و بدین وسیله است که راه درست از نادرست باز شناخته می‌شود و شهروندان در تعامل نهادهای اجتماعی بر اساس ارزش‌های فرهنگی به یک هویت شهروندی مشخص دست خواهند یافت.

- **قانون‌مداری:** جامعه مدنی که بستر ظهور شهروندی است، جامعه‌ای است که قانون بر آن

در نوسازی فرهنگی جوامع، نوسازی فرهنگی در شش کشور ایران، مصر، ترکیه، سوریه، لبنان و اردن را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که نوسازی در ممالک فوق‌الذکر بیش از هر چیز مدیون استفاده از وسایل ارتباط جمعی بوده است. او در زمینه نقش این وسایل در پیشرفت مغرب‌زمین اعتقاد دارد که وسایل ارتباط جمعی، کشورهای غربی را صاحب مهارت‌های برجسته‌ای ساخته است که خواه ناخواه، ایشان را به سوی زندگی جدید و مدرن امروزی می‌کشد. (رشیدپور، ۱۳۴۸: ۱۴۶ - ۵۲)

رائو، پژوهشگر هندی که درباره این موضوع مطالعات فراوانی در جوامع روستایی هند انجام داده است، معتقد است: «وقتی اطلاعات و افکار نو از خارج به روستاها و دهات دورافتاده و جدا از اجتماعات صنعتی می‌رسد، تغییر و تحولات اجتماعی نیز به دنبال آن خواهد آمد.» (خاتون‌آبادی، ۱۳۷۴: ۴۵)

به راستی هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، چنانچه از رسانه‌هایی سالم برخوردار نباشد. از این رو آنچه در چارچوب نظری این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد عبارت است از: مفهوم شهروندی، پایه‌های شهروندی، رادیو و جایگاه نقش آموزشی آن، اهمیت رادیو و نیز نحوه تأثیرگذاری آن بر تحکیم پایه‌های شهروندی.

شهروندی و مفهوم آن

«شهروندی» به مثابه فرایند اجتماعی و سیاسی از قرن نوزدهم در جوامع مدنی به صورت تعامل جدی بین دولت و ملت مطرح و به طور همزمان با موضوع عضویت در دولت - ملت‌ها، جزء مباحث مهم اجتماعی و سیاسی مطرح شده است. (جانوسکی، ۱۹۹۸)

شهروندی یک نوع قرارداد متقابل اجتماعی و سلسله حقوق متقابل «دولت بر ملت» و «ملت بر دولت» و همچنین احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی در یک محدوده مشخص است. شهروندی مفهوم جدیدی است که براساس زندگی شهری در جوامع مدنی شکل گرفته است. شهروندی عبارت است از عضویت در جامعه‌ای ملی که موجب به‌وجود آمدن مجموعه‌ای از حقوق برابر مبتنی بر عدالت در یک جامعه می‌شود. (کوهن و کندی، ۲۰۰۰: ۸۲)

واژه «شهروند» معادل واژه انگلیسی Citi-zen است. شهروند عبارت است از کسی که

دیباچه

رسانه‌ها با نشر اطلاعات، افکار، ذهنیات و فرهنگ، جامعه را شکل می‌دهند. از این رو، انتخاب‌کنندگان و تدوین‌کنندگان پیام نقش بسیار مهمی در چگونگی شکل‌گیری این فرهنگ و تحولات آن دارند. از آنجا که رادیو یکی از تأثیرگذارترین رسانه‌های ارتباطی است و احاد مردم قبل از هر رسانه دیگری به آن دسترسی دارند، بجاست که مسئله جایگاه و نقش رادیو و کارکرد آموزشی آن بر تحکیم پایه‌های شهروندی مورد بررسی قرار گیرد.

نقش رادیو در تحکیم پایه‌های شهروندی بسیار مهم است. تمام آنهایی که در باب سازمان جامعه اندیشیده‌اند، بر جایگاه و نقش رادیو و اهمیت حیاتی آن تأکید ورزیده‌اند. استیفن دابلین اظهار می‌دارد: «رادیو نقش تعیین‌کننده‌ای در جامعه‌پذیری ایفا می‌کند. این رسانه می‌تواند با آموزش تفکر انتقادی و تفکر خلاق در میان شهروندان، در آنها نسبت به وظایف خود در قبال دیگران نوعی تعهد و آگاهی به وجود بیاورد.» (دابلین، ۱۹۹۲: ۲۹)

دانیل لرنر در تحقیقی در زمینه تأثیر وسایل ارتباط جمعی، به ویژه رادیو و نقش آموزشی آن

حکومت می‌کند و منشأ قوانین هر جامعه، عامل هویت‌بخش و وجه تمایز آن جامعه از دیگر جوامع است.

در ایران که دین اسلام بر جامعه حاکم است، منشأ تدوین قوانین، آموزه‌های اسلامی است. این قوانین نحوه حضور و مشارکت شهروندان در اداره جامعه و شهر را برای آنها تبیین و تعیین کرده و با رعایت قانون از سوی شهروندان جامعه از هرج و مرج و ازهم‌گسیختگی‌های پیدای می‌کند.

– **عدالت:** عدالت زیربنای جامعه اسلامی و یکی از اهداف انبیای الهی است که به عنوان یکی از ارکان و مبانی و ضرورت انکارناپذیر مداین فاضله و آرمان‌شهرها معرفی می‌شود.

افلاطون در زمینه عدالت در مدینه فاضله می‌گوید: هماهنگی در سه طبقه مختلف جامعه که عبارتند از: کارگران، سربازان و رهبران، عدالت را به وجود می‌آورد. پس هر کس برای شغلی خاص که متناسب با استعداد وی است، تربیت می‌شود. هر کس در جای خود، یعنی جایی که باید باشد، قرار می‌گیرد و این خود تجلی عدالت در فرد و جامعه به حساب می‌آید. (راسل، ۱۹۴۶)

امام علی (علیه‌السلام) در این زمینه می‌فرماید: عدل جلوه بارز عدالت اجتماعی است. عدل فقدان تبعیض در جامعه و مبارزه با هر نوع تبعیض است. آن امام عادل در این باره خطاب به یکی از کارگزاران خود می‌نویسد: «با همگان یکسان باش تا بزرگان به طمع نیفتند که تو را به ستم کردن به نام خداوند ناتوان برانگیزانند و ناتوان از عدالت نومید نگردند. (نقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۳)

– **مشارکت و مسئولیت‌پذیری:** یکی از مهم‌ترین عواملی که به تداوم حیات بشری روی کره زمین یاری رسانده است، همکاری، مشارکت و مسئولیت‌پذیری میان انسان‌هاست. نگاهی به تاریخ جوامع انسانی نشان می‌دهد که افراد بشر به گونه‌ای تدریجی ارزش کارکردن و معنای مشارکت و مسئولیت‌پذیری را آموخته‌اند. آنها در ابتدا فقط به اعضای قبیله و قوم خود کمک می‌کردند، بی آنکه بیندیشند همسایه‌ها چگونه مشکلاتشان را حل می‌کنند. آنگاه به تدریج دریافتند که اگر نیروهایشان را با هم درآمیزند، می‌توانند بیشتر از آنچه به تنهایی قادرند، کار انجام دهند. رفته رفته آرزوی اولیه بشر یعنی کارکردن با دیگران برای یک هدف مشترک جنبه جهانی گرفت و وسعت یافت، به گونه‌ای

که هم‌اکنون سرعت حمل و نقل و ارتباطات تمام ملل را به یکدیگر نزدیک ساخته است و هیچ فرد یا ملتی بدون کمک دیگران قادر به ادامه حیات نیست.

تازه‌ترین زمینه مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری، مشارکت و مسئولیت‌پذیری شهروندان در اداره امور شهر است. این مشارکت و مسئولیت‌پذیری یکی از الزامات زندگی شهری است که بدون آن در اداره امور شهر مشکلات بسیار زیادی بروز خواهد کرد و هنگامی تحقق می‌یابد که شهروندان از حالت فردی که صرفاً در مکانی به نام شهر زندگی می‌کنند، در آینده و به شهروندان تبدیل شوند.

یک شهروند باید دارای حقوق شهروندی بوده و به طور مستقیم یا غیرمستقیم در امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شهر خود دخالت داشته باشند. هویتی وجود دارد به نام هویت شهری یعنی احساس تعلق به شهر در نتیجه احساس مسئولیت در امور عام‌المنفعه و سهیم‌شدن و مشارکت‌کردن در امور مختلف آن. (الشوکی، ۱۳۸۳: ۵۰۲)

رادیو و کارکرد آموزشی آن در جامعه
تصویر یک جامعه توسعه‌یافته بدون وجود سیستم ارتباط پیشرفته که بخش وسیعی از آن را رسانه‌ها تشکیل می‌دهند، ممکن نیست. اصولاً بسیاری از محققان، رسانه را پایه و اساس توسعه می‌دانند و بر این عقیده‌اند که به وسیله رسانه‌ها سطح فرهنگ و آگاهی همگانی افزایش می‌یابد و این افزایش و آگاهی و ارتقای فرهنگی به‌طور عمده، سبب توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و در نهایت، توسعه شهروندی می‌شود. (نشریه رابطه تبلیغات و توسعه ملی، ۱۳۷۰: ۵۱)

رادیو به عنوان یک رسانه ملی فراگیر در زمره مهم‌ترین کارگزاران جامعه‌پذیری افراد است که از طریق آموزش عمل می‌کند. رادیو این نقش آموزشی را با ارسال پیام و تأثیرگذاری بر مخاطب انجام می‌دهد. اهمیت نقش رسانه‌های جمعی در تأثیرگذاری بر مخاطب و جهت‌دادن به نگرش‌های وی از جانب اندیشمندان این حوزه امری پذیرفته شده است، اگرچه اندازه‌گیری میزان این تأثیر به نظر بسیار دشوار می‌آید. آنتونی گیدنز معتقد است که رادیو یکی از ابزارهای مهم جامعه‌پذیری و زمینه‌ساز نگرش‌های اجتماعی است. او عقیده دارد: «رادیو به فراهم‌کردن چارچوب‌های تجربه و نگرش‌های کلی فرهنگی

که در درون آن افراد در جوامع امروزی اطلاعات را تفسیر کرده و به آن سازمان می‌دهند، کمک می‌کند. رادیو در گسترش شکل‌های غیرمستقیم آموزش در عصر حاضر به اندازه کتاب، مجلات و روزنامه‌ها مهم است. رادیو شیوه‌هایی را که افراد، زندگی اجتماعی را تفسیر کرده و نسبت به آن واکنش می‌دهند، با کمک به نظم‌دادن به تجربه ما از زندگی اجتماعی، قالب‌ریزی می‌کند.» (گیدنز، ۱۳۷۶: ۴۷۹)

تمام مطالعاتی که درباره تأثیر برنامه‌های آموزشی رسانه‌ها بر دریافت‌کنندگان پیام صورت گرفته است، در حقیقت، در جست‌وجوی یافتن تأثیر پیام و میزان و چگونگی آن بوده‌اند. همه برنامه‌های رادیو حاوی پیام هستند و خواسته یا ناخواسته معانی و احساسات خاصی را به مخاطب القا می‌کنند.

مک لوهان می‌گوید: «رادیو بسیاری از مردم را صمیمانه تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ تأثیری که یک نوع تأثیر رودرروست. به وسیله رادیو، نویسندگان، گوینده و شنونده در دنیای ارتباطی واحد و مشترکی قدم می‌گذارند. این همان جنبه فوری و صمیمانه رادیوست که می‌تواند یک نوع تجربه خصوصی و شخصی نیز به حساب آید. رادیو قدرتی عمیق دارد که ناخودآگاه اثر می‌گذارد و همه چیز و همه کس را در بر می‌گیرد. رادیو می‌تواند ارواح و اجتماع را یکی سازد. قدرت رادیو به توانایی طبل‌ها و شیپوره‌های قبایل بدوی شباهت دارد. با این همه هنوز بسیاری از نویسندگان برنامه‌های رادیویی به آنچه با این وسیله می‌توانند انجام دهند، آگاهی ندارند. (رشیدپور، ۱۳۵۲: ۱۴۵)

به‌دست‌آوردن اطلاعات از روزنامه‌ها، مجلات و نشریات ترویجی علاوه بر اینکه به علت توزیع ناهماهنگ آنها، تضمین‌چندانی ندارد و فقط برای کسانی ممکن خواهد بود که از نعمت سواد بهره‌مند باشند، ولی به خاطر اینکه مردم بی‌سواد و کم‌سواد بیشتر از طریق مکالمات روزمره به کسب اطلاعات می‌پردازند، به وسیله رادیو می‌توان به راحتی زمینه‌های ذهنی لازم را جهت قبول نوآوری‌ها یا علاقه‌مندشدن به پدیده‌های اجتماعی و شهروندی، در آنها به وجود آورد. (خاتون‌آبادی، ۱۳۷۴: ۶۹)

به طور کلی، وسایل ارتباط جمعی دو وظیفه آموزشی زیر را انجام می‌دهند:
الف – اجتماعی‌کردن یا فرایند تقویت یا تغییر

آداب و رسوم، معیارها و نظام ارزشی فرهنگی؛
ب - آموزش یا فرایند دادن اطلاعات و مهارت‌های خاص از روی قاعده ... « (هیربت، ۵۶۳۱: ۳۳).

رادیو از جنبه تعلیمی و آموزشی از مزایای زیر برخوردار است:

۱. **فوریت:** در زمان ارسال پیام از سوی رادیو که بیش از چند لحظه به طول انجامید، به طور چشمگیری در هزینه‌ها صرفه‌جویی می‌شود.

۲. **ارتباط با گروه‌هایی از مردم با نیازهای مشترک.**

۳. **استفاده از احساسات یا فشار**

هیجانی: آنچه ما با قلب‌هایمان احساس می‌کنیم، فراتر از درک عقلانی ماست. رادیو با ایجاد رابطه احساسی، می‌تواند به احساسات و قلب‌های مردم نزدیک شود و در آنها انگیزه‌های سازنده‌ای در زمینه روابط شهروندی به وجود آورد.

۴. **رادیوی با تصویر:** حقیقت آن است که رادیو به تنهایی قادر به ارائه اطلاعات دیداری به شنوندگان خود نیست، ولی با کمک گرفتن از موارد چاپی، این امر نیز به طریقی میسر شده است.

۵. **غلبه بر مکان و زمان:** با ظهور گیرنده‌های ترانزیستوری رادیو به مثابه انقلابی عظیم در عرصه زندگی انسان، توانسته است بر موانع بسیاری غلبه کند و پیام‌های خود را به آن سوی صعب‌العبورترین راه‌ها نیز بفرستد.

۶. **ارزانی:** ارزانی رادیوهای ترانزیستوری امکان استفاده عام از رادیو را فراهم آورده است (خاتون‌آبادی، ۱۳۷۴: ۷۲-۶۹).

حال بعد از اهمیت جایگاه و نقش رادیو به بررسی چگونگی کارکرد آموزشی رادیو در تحکیم پایه‌های شهروندی می‌پردازیم.

آموزش ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی

فرهنگ، شناسنامه و هویت افراد یک جامعه است. به وسیله فرهنگ است که انسان‌ها احساس هویت و تعلق خاطر به جامعه و شهری که در آن زندگی می‌کنند را به دست می‌آورند. الیوت فرهنگ را نوع خاصی از قواعد زیستن و شیوه خاصی از زندگی می‌داند که به زندگی ارزش زیستن می‌دهد.

با توجه به این که فرهنگ، ذاتی انسان نیست

و انسان اساساً با فرهنگ زاده نمی‌شود و در بدو تولد جز یک سری توانایی‌ها و استعدادها بالقوه چیزی ندارد، بنابراین لازم است که ارزش‌های اجتماعی به نسل فرهنگی جدید انتقال داده شود. چون ممکن است بر اثر غفلت از میان برود. بنابراین، جایگاه و نقش رادیو در انتقال ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی به عنوان یکی از پایه‌های شهروندی این است که با برنامه‌های آموزشی متنوع و جذاب به انتقال ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی بپردازد.

فرهنگ شهرهای بزرگ به دلیل بافت ویژه ناشی از مهاجرت‌پذیری، دارای اختلاط آداب و رسوم و هنجارهای متفاوت است که شناخت این جو فرهنگی برای عملکرد رادیو در حوزه فرهنگ شهری امری ضروری است.

«وقتی فرهنگ‌های مختلف با آداب و رسوم و هنجارهای متفاوت از نقاط مختلف در یک نقطه جمع شوند و انواع هنجارها حاکم باشد، در نتیجه

تازه‌ترین زمینه مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری، مشارکت و مسئولیت‌پذیری شهروندان در اداره امور شهر است. این مشارکت و مسئولیت‌پذیری یکی از الزامات زندگی شهری است که بدون آن در اداره امور شهر مشکلات بسیار زیادی بروز خواهد کرد و هنگامی تحقق می‌یابد که شهرنشینان از حالت فردی که صرفاً در مکانی به نام شهر زندگی می‌کنند، در آینده و به شهروندان تبدیل شوند.

هر فرد یا گروه به یک نوع هنجار رفتار می‌کند و از آنجا که محیطش عوض شده است، دیگر احساس پابندی به هنجارهایی را نمی‌کند که در محیط زندگی قبلی‌اش از آن پیروی می‌کرد.» (رفیع‌پور، ۱۳۷۸)

محیط اجتماعی شهروندان و نحوه تعامل آنها با یکدیگر، انتخاب محصولات فرهنگی که رادیو از آن استفاده می‌کند مثل گفتار رادیویی، مصاحبه، میزگرد رادیویی، نمایش رادیویی، پیام‌های کوتاه، اخبار... را معین می‌کند. رادیو از این طریق می‌تواند علاقه مخاطبان را به دستاوردهای فرهنگی گذشتگان و هماهنگ‌سازی شهروندان با بزرگان به عنوان الگوی رفتاری برانگیزد. تصویری که دولتمردان در ذهن دارند که بیانگر ایده‌آل‌های ذهنی آنهاست، همگی در انتقال ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی به شهروندان به عنوان شهروندان آینده مؤثر هستند. برای اینکه رادیو در انتقال ارزش‌های

از ارتباطات اجتماعی شکل می‌گیرد و شخصیت آنها به یک ثبات و قوام می‌رسد که شخصیت آنها را در پیوند با سایر مؤلفه‌های زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهد. رادیو با ایجاد فضای عاطفی و روانی مناسب بدین طریق بر مشارکت و مسئولیت‌پذیری شهروندان تأثیر می‌گذارد که دیدی مثبت را نسبت به جامعه در برنامه‌های آموزشی خود منتقل می‌کند؛ زیرا در غیر این صورت اگر رسانه‌های جامعه خود را طرد، تنبیه و تحقیر کند، باعث می‌شود مخاطبان آن دارای تصور ضعیفی از خود شوند. یعنی برداشتی که از خود دارند مبتنی بر نقاط ضعف و کاستی‌های وجودی جامعه آنها باشد و همین تصور منفی باعث کاهش احترام به خود شود. در نتیجه این تصورات منفی شهروندان را از درآمیختن با دیگران بازمی‌دارد و آنها به جای برونگرایی و مشارکت با دیگران، درونگرا شده، به عالم رویا و تخیل پناه می‌برند. اما زمانی که رسانه‌ها نسبت

فرهنگی و هنجارهای اجتماعی موفق شود، باید انسان کامل جامعه را که ریشه در منابع غنی فرهنگی چون مذهب و ادبیات دارد به جوانان بشناساند و خود نیز به ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی پایبند باشد.

آموزش مشارکت و مسئولیت‌پذیری

مشارکت همراه با مسئولیت‌پذیری شهروندان یکی از ستون‌های استوار بقا و پیشرفت یک شهر است. در اهمیت مشارکت و مسئولیت‌پذیری همین بس که حضرت علی (علیه‌السلام) در خطبه ۱۲۷ با بیان جمله «یدالله مع الجماعة» بر حضور مردم در جمع و اجتماع به صورت فعال و مؤثر تأکید می‌کند. راه‌هایی که رادیو می‌تواند برای تحکیم این اصل به کار ببرد، عبارت‌اند از:

- دادن حق انتخاب به مخاطبان: هم

در امور مربوط به خودشان و هم با افزایش بلوغ فکری آنها، در امور مربوط به انتخاب برنامه‌های درخواستی؛ زیرا حق انتخاب یکی از مصادیق

تأثیر پخش یک مناظره خوب از رادیو در آموزش تفکر انتقادی به این صورت است که مخاطبان در جریان مناظره درمی‌یابند که ارزیابی و تأیید و یا عدم تأیید ایده‌های آنها امری طبیعی و مفید است؛ زیرا ممکن است آنها به این نتیجه دست یابند که همه آنچه فکر می‌کردند درست باشد، ممکن است درست نباشد و باید به آرا و عقاید دیگران نیز گوش فرا دهند.



به مخاطبان خود احساس مسئولیت داشته باشند، آنها دارای حرمت خود و تصور از خود قوی خواهند شد و در نتیجه گرم و صمیمی، خوشحال و مطمئن و خواهان مشارکت اجتماعی و پذیرش مسئولیت می‌شوند. درباره اهمیت فضای روانی و عاطفی که رسانه‌ها ایجاد می‌کنند، دوروتی لاونولت چنین می‌گوید: «اگر فردی در محیط دائماً ایرانی زندگی کند، یاد می‌گیرد تحمل کند. اگر فردی در محیط خصومت زندگی کند، یاد می‌گیرد ستیزه‌جویی کند. اگر فردی در محیط تمسخر زندگی کند، یاد می‌گیرد خجول باشد. اگر فردی در محیط شرمندگی زندگی کند، یاد می‌گیرد احساس گناه کند. اگر فردی در محیط بردباری زندگی کند، یاد می‌گیرد صبور باشد. اگر فردی در محیط امیدوارکننده زندگی کند، یاد می‌گیرد اعتماد به نفس داشته باشد. اگر فردی در

مهم مشارکت در امور مختلف است.

- واگذاری مسئولیت انتقاد: برای

افزایش میزان مشارکت شهروندان در جامعه و فراهم کردن تجربه‌ای در این مورد و به تبع آن در امور مربوط به شهر، واگذاری مسئولیت انتقاد به مخاطبان شیوه‌ای بسیار مناسب است. البته واگذاری مسئولیت‌ها باید متناسب با توانایی مخاطبان باشد تا موجب حفظ و افزایش اعتماد به نفس و حرمت خود آنها شود.

- ایجاد فضای عاطفی و روانی مطلوب:

منظور از فضای عاطفی و روانی مطلوب اجتماعی مجموعه‌ای از ارتباطات و تبادلات روحی و روانی است که میان افراد جامعه وجود دارد و شکل خاصی از روابط را فیمابین اعضا به وجود می‌آورد. الگوی رشد شخصیت شهروندان ابتدا در چارچوبی

محیط تحسین زندگی کند، یاد می‌گیرد قدردان باشد. اگر فردی در محیط منصفانه زندگی کند، یاد می‌گیرد عادل باشد. اگر فردی در محیط امنی زندگی کند، یاد می‌گیرد با ایمان باشد. اگر فردی در محیط توافق زندگی کند، یاد می‌گیرد خودش را دوست داشته باشد. اگر فردی در محیط پذیرش و دوستی زندگی کند، یاد می‌گیرد همه جا عشق و صفا داشته باشد. (شفیع‌زاده، ۱۳۷۳: ۸۷ و ۸۸)

از این رو، این وظیفه رسانه‌ها و به ویژه رادیوست که با آموزش‌های لازم، فضای روانی و عاطفی مطلوب را برای شهروندان فراهم نمایند و بدین ترتیب در جهت تحکیم پایه‌های شهروندی گام‌های مؤثری بردارند.

آموزش تفکر انتقادی از طریق رادیو:

تفکر انتقادی بدین معنی است که شهروندان افرادی منطقی، با استدلال و منتقد باشند و به جای انباشتن نتایج تفکر دیگران و پیری کورکورانه از آن، خود به تفکر انتقادی بپردازند و این مسیر را چون جریان پژوهشی ببینند. از این رو، جریان تفکر انتقادی در اجتماعی به‌هم‌پیوسته و در جریان مشارکت جمعی تحقق می‌یابد (جهانی، ۱۳۸۰: ۴۰). بنابراین لازم است که تفکر انتقادی در اجتماع نهادینه شده و معیارها و ضوابط لازم را برای بررسی پیام‌ها و رفتارهای ارزشمند و غیر ارزشمند به افراد داده شود. یعنی به نوعی شهروندان بتوانند به ارزش‌سنجی فرهنگی بپردازند تا هر اثر فرهنگی مبتدلی را به نام فرهنگ برتر به خورد آنها ندهند. براساس این ارزش‌ها و فهم میراث فرهنگی با سایر شهروندان جامعه رابطه مطلوب و مناسب داشته باشند و در این حال متناسب با تغییرات و تحولات جامعه ارزش‌های جدیدی بر پایه منابع اصیل آن جامعه، مذهب و ادبیات، به وجود آورند و به توسعه فرهنگ جامعه بپردازند. رادیو در این میان از طریق مناظره و نمایش‌های رادیویی می‌تواند در جهت ترویج تفکر انتقادی در جامعه گام‌های مؤثری بردارد.

تأثیر پخش یک مناظره خوب از رادیو در آموزش تفکر انتقادی به این صورت است که مخاطبان در جریان مناظره درمی‌یابند که ارزیابی و تأیید و یا عدم تأیید ایده‌های آنها امری طبیعی و مفید است؛ زیرا ممکن است آنها به این نتیجه دست یابند که همه آنچه فکر می‌کردند درست باشد، ممکن است درست نباشد و باید

به آرا و عقاید دیگران نیز گوش فرادهند. (فیشر، ۱۹۹۹: ۵۴)

نمایش نیز با برقراری ارتباط، از طریق ایجاد حس همدلی بین شنونده و شخصیت‌های داستان نمایش، می‌تواند شنوندگان را به چالش و تفکر در مسائل اجتماعی روزمره دعوت کند. بنابراین رادیو با فراهم آوردن آموزش‌های گروهی از این دست، و در قالب داستان‌ها و بحث‌های تفکرانگیز گروهی موجد آشنایی شهروندان با اموری مانند رقابت، همکاری، تقسیم کار، قبول مسئولیت و همدردی با دیگران می‌شود.

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رادیو به عنوان رسانه‌ای فراگیر مهم‌ترین کارگزار جامعه‌پذیری در جامعه است که با آموزش‌های مدون و کارشناسی‌شده، ارزش‌ها و قواعد اخلاقی را به شهروندان منتقل، و اولین گام‌های تربیت شهروندی را برمی‌دارد. از این رو، رادیو می‌تواند از طرق زیر، در جهت تربیت اجتماعی مخاطبان و تحکیم پایه‌های شهروندی گام‌های مؤثری بردارد:

- انتقال ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده از طریق الگو واقع‌شدن بزرگان و فرهیختگان دینی و ملی و الگوپذیری از آنها.
- نهادینه کردن تفکر انتقادی در برنامه‌های آموزشی در جهت ارزش‌سنجی فرهنگی و توسعه ارزش‌های فرهنگی براساس منابع اصیل جامعه، مذهب و ادبیات.
- آموزش تعاملات اجتماعی برای انتقال هنجارهای اجتماعی.
- دادن حق انتخاب به مخاطبان برای نهادینه کردن مشارکت آنها در امور مختلف.
- ایجاد فضای عاطفی و روانی مناسب برای مخاطبان در محیط اجتماع و آموزش در جهت بالابردن ایجاد حرمت نفس، احترام به خود و ایجاد تصور مثبت در آنها.

منابع و مأخذ

- الشوکی، یحیی (۱۳۸۳). **بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان**، تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۱). «نظریه شهروندی در فرهنگ و تمدن ایرانی»، **اطلاعات سیاسی، اقتصادی**، سال هفدهم، شماره سوم و چهارم.
- شفیع‌زاده، احمد (۱۳۷۳). **زمینه‌های اجتماعی کجروی با تأکید بر تأثیر خانواده و گروه**

همسالان به انحرافات اجتماعی نوجوانان و جوانان شهر تهران، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

دشتی، محمد (۱۳۸۴). **ترجمه نهج البلاغه**، قم: ناص.

فرمیپنی فراهانی، محسن (۱۳۷۸). **فرهنگ توصیفی علوم تربیتی**، تهران: اسرار دانش.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). **آنا تومی جامعه**، تهران: شرکت سهامی انتشار.

رشیدپور، ابراهیم (۱۳۵۲). **آینه‌های جیبی آقای مک لوهان**، تهران: انتشارات رادیو تلویزیون ملی ایران.

رشیدپور، ابراهیم (۱۳۴۸). **ارتباط جمعی و رشد ملی**، تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران.

خاتون‌آبادی، احمد (۱۳۷۴). **رادیو و ارتباط توسعه‌ای**، تهران: سروش.

هیربت، ری و دیگران (۱۳۶۵). **وسایل ارتباط جمعی**، ترجمه منوچهر رادپور، تهران: مرکز تحقیقات و ارزشیابی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

رابطه تبلیغات و توسعه ملی (۱۳۷۰). تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما. جهانی، جعفر (۱۳۸۰). **نقد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزش تفکر انتقادی لیمن**، پایان‌نامه دکتری، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

Cohen. R and Kenndy.P.(2000) *Global Socioloty*.London.Mc Millian press Ltd.

Held, D (2000) *the changing contours of political community Rethinking democracy*, hn the context of education, in B, Holden(ed), London and Newyork, Routledge.

Ruseel, Bertrand,(1946) *A history of western philosophy* (counterpint), p 1220.

Janoski , T, (1998) *Citizenship and civil society*, A Framework of Rights & obligations in liberal Traditional and social Democratic Regime.

-Dublin , Seven C. (1992). *Arresting Images: Impolitic at and Uncivil Action*, Lonon: Routledge.

Fisher, R (1999): *First stories for thinking*, oxford: Nash Pollock .